

## مقایسه شرایط اجتماعی ایران و جمهوری آذربایجان از دیدگاه روزنامه بینی مساوات باکو

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان

مقایسه شرایط اجتماعی ایران و جمهوری آذربایجان از دیدگاه روزنامه بینی مساوات باکو

اشاره :

روزنامه غربگرای بینی مساوات چاپ باکو در شماره مورخه 90/1/6 خود، در قالب گفتگوی نویسنده خود با یک شهروند تبریزی، شرایط اجتماعی حاکم بر ایران و به ویژه شهر تبریز را با جمهوری آذربایجان مقایسه نموده است که در ذیل آورده می شود.

### نویسنده روزنامه بینی مساوات :

اخیرا با یکی از همتیاران تبریزی پیرامون تاثیر پولهای نفتی ایران و آذربایجان بر زندگی مردم این کشورها و طرز برخورد با مفهوم عدالت اجتماعی و مناسبات بین دولت و شهروند صحبت طولانی داشتم. به تبادل نظر و بحث پرداختیم. مصاحب من فردی دارای تحصیلات عالی، آبدیده و هشیار است. برنامه های شبکه های تلویزیونی و مطبوعات آذربایجان را به دقت دنبال می کند. می گوید که در باره اوضاع و احوال باکو، گنجه، نخجوان اطلاعات کافی دارد. دلش به حال وضعیت موجود در آذربایجان می سوزد. می گوید که مردم با استعداد و زحمت کش آذربایجان با وجود چنین امکانات و ثروتهایی در کشور خود مجبور به تحمل زندگی بسیار سخت، فقر و ظلم و خودسری ها هستند. سپس از ایران مثالهایی زد و گفت که حتی یک صدم بی دادگری هایی موجود در کشور شما نیز نمی تواند در ایران وجود داشته باشد.

من درک می کردم که یک اهل تبریز صرفا به لحاظ ملاحظات سیاسی نظرات انتقاد امیز در باره کشور خود ایران بیان نخواهد کرد. سخنان وی عاری از تاثیر ایدئولوژی نیز نبود. ولی وقتی به خاطر حق می گویند، عیبی ندارد. حقایق مبنی بر اینکه دولت احمدی نژاد پولهای حاصله از فروش نفت را چگونه عادلانه بین شهروندان کشور تقسیم می کند، حیران کننده است. از گفته های او چنین برداشت کردم که مردم از ثروتهای خود سهم خوبی دریافت می کند. مانند مردم کشور ما به ثروت و پولهای خود حسرت نمانده اند.

دولت ایران به صورت هفته ای درباره درآمدهای نفتی کشور از جمله چه قدر پول وارد کشور شده، چه قدر برای چه مقاصدی هزینه خواهد شد و غیره به اهالی گزارش می دهد. آیا در کشور ما چنین چیزی وجود دارد؟ دولت ایران تصمیم اتخاذ کرده است که به صورت ماهانه به حساب هر یک از شهروندان کشور کودکان نوزاد گرفته تا شهروندان 100 ساله 50 دلار واریز می شود. ما چنین چیزی داریم؟

هر کودک نوزاد در ایران در همان روز تولد خود سهم یک هزار دلاری از درآمدهای نفتی کشور را به صورت چک بانکی دریافت می نماید. گرچه در کشور ما نیز چیزی شبیه هزار دلار وجود دارد، ولی بر عکس، دولت این مبلغ را بوسیله زایشگاههای دولتی از والدین هر کودک به صورت رشوه به زور می گیرد.

دولت ایران وامهای ضروری برای راه اندازی امور بازرگانی و خرید منزل و یا رفع هر مشکل یک شهروند را صرف نظر از مبلغ آن در اختیار وی می گذارد. آن هم پایایی ترین در صدی و یا کاملاً بدون درصدی. حتی در برخی موارد با توجه به قادر نبودن شهروند دریافت کننده وام به پرداخت این در صدی پایین، او را از پرداخت آن نیز معاف می کند. این در حالی است که در کشور ما آذربایجان دولت شهروند بدهکار را مجبور می کند که برای پرداخت آن حتی شلوارش را نیز بفروشد، حکم توقیف در باره منزل و اموال باقی مانده وی صادر می کند و او را ذلیل می کند .

میانگین حقوق ماهیانه در ایران بیش از 300 دلار است. ولی در کشور ما این رقم به 150 دلار نیز نمی رسد. در ایران دولت اعانه های مستمری برای بیکاران تخصیص می نماید. برای هر یک از کارمندان دولت سالی 4 بار به میزان حقوق ماهانه پاداش می دهد. در آستانه عیدهای نوروز و رمضان نیز به میزان 50 در صد حقوق ماهانه پاداش می دهد تا عیدها را به راحتی و بدون مشکل جشن بگیرند. ولی در کشور ما می دانید که وضعیت چگونه است. درست نصف اهالی در آستانه عیدها از روی کرامت دولت دچار یاس و اندیشه می شوند که عید را چگونه برگزار کنند. تازه این در حالی است که ارزاق، برق، آب و گاز در ایران 3 تا 5 مرتبه نسبت به آذربایجان ارزانتر است.

از برادر تبریزیم سؤال کردم: امکان دارد که یک مقام دارای سمت بالا در ایران خودسری کند و شهروند فقیر کشور را آزار دهد؟ گفت نه خیر آقا، این چه حرفی است. حتی وزیر هم باشد، نمی تواند چنین کاری بکند. دولت پدرش را درمی آورد.

از وی پرسیدم که بانکهای ایران حین دادن وام به شهروندان، به میزان 10 الی 15 در صد مبلغ مربوطه شاپکا (کلاه یعنی رشوه) می گیرند یا نه؟ خندید و گفت: نه بابا، در کشور ما از هر نظر اقلیم ملایمی وجود دارد. لذا نیازی به کلاه گذاشتن بر سر پول جهت تامین حفاظت آن از سرما وجود ندارد.

این درست است که ایران با نروژ قابل مقایسه نیست. ولی برای وفق دادن خود با این کشور سعی می کند ...